

نسبت سیاست و دیانت

سیاست ما را تجربه عرفی بشری و مصالح ملی با رعایت موازین حقوق بین‌الملل تعیین می‌کند؛
و **دیانت** ما در گرو رعایت موازین جهان‌شمول و زمان‌شمول قرآن، سنت پیامبر، سیره انمه و عقل است.
سیاست و دیانت نه تنها عین هم نیستند؛ بلکه دو روش و دو حوزه متفاوت دارند.



محسن کدیور

۴ دی ۱۴۰۰

مقدمه

تشکر از آقای نوید کلهرودی که برای بار دوم واسطه خیر شد و پای مرا به جمع هموطنان عزیز کشانید. بار اول به مناسبت درگذشت استاد محترم مرحوم دکتر داود فیرحی بود. ([امکان سنجی فقه سیاسی دموکراتیک](#)): مروری بر آثار مرحوم دکتر داود فیرحی، ۱۷ آذر ۱۳۹۹) خدایش بیامرزد. بار دوم به مناسبت جشن فارغ التحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، چه مناسبت خوبی! راستش این چند سال از بس خبر بد شنیدیم یادمان رفته که می شود دور هم جمع شد و گل گفت و گل شنید. البته فعلا هرچه می کشیم از دست این کرونای منحوس است و سیاست لعنتی! شما هم کارشناس ارشد علوم سیاسی هستید و قاعدتا باید درباره همان سیاست لعنتی چند کلمه ای عرض کنم. البته چون در گردهمایی، خانواده های محترم فارغ التحصیلان هم هستند باید تا می شود از این سیاست لعنتی فاصله بگیرم و کمی هم از زندگی و از نشاط و از شادی حرف بزنم.



اول. بگذارید خودمانی بگویم دلم برایتان تنگ شده است. هر جا حتی در بام دنیا هم که باشی خانه پدری از همه جا باصفا تر است قدرش را بدانید.

دوم. هرچه فکر کردم یادم نیامد من هرگز جشن فارغ التحصیلی گرفته باشم چه کارشناسی ارشد و چه دکتری. حوزه علمیه هم که با جشن و این مقولات بیگانه بود! یعنی من و احتمالا نسل من هیچوقت مزه این کارهای خوب را نچشید. حالا شما قدر این جشنها را خصوصا قدر عکس و فیلمهای این دوران را بدانید. از این مقاطع من هیچ عکسی ندارم. نسل بی عکس و بی خاطره و بی جشن. فعلا تبریک می گویم به همه فارغ التحصیلان عزیز و خانواده های گرامی شان. دلم لک زده است که در جمع شما می بودم و با خنده های شما از ته دل می خندیدم.

سوم. در دانشگاه خوارزمی توفیق حضور نداشته ام. در وبسایتش دیدم همان دارالمعلمین مرکزی، دانشسرای عالی، و دانشگاه تربیت معلم سابق است که از ۱۳۹۰ که من ایران نبودم شده دانشگاه خوارزمی، به سلامتی. اسامی اساتید و دانش آموختگان این دانشگاه و ریشه هایش را دیدم، چه بزرگانی در این مراکز بوده اند. خدا آنها رحمت کند و خوشا به حالتان که قرار است راه آنها را ادامه دهید. اگر قرار باشد چند کلمه ای هم درباره این بزرگان بگویم دیگر به حرف اصلی ام نمی رسم.

چهارم، از اسم دانشگاه شما خوشم می آید. هر جای پیش خارجی ها می خواهم اظهار لحنیه کنم و از افتخارات گذشته وطن عزیز داد سخن دهم، اسم جناب محمد بن موسی خوارزمی (۲۳۳-۱۸۵) و همان الگوریتم فرنگی **algorithm** را به رخشان می کشم. اما یکدفعه یادم می افتد به مریم میرزاخانی (۱۳۹۶-۱۳۵۶) نابغه ریاضی ایرانی که قدرش را ندانستیم و چقدر فراوانند این نوابغ و نخبگان که در وطنشان قدرشان را نمی دانند. البته قرار بود مرثیه نخوانم. ببخشید.

پنجم، در وبسایت دانشگاه سری به گروه علوم سیاسی آن زدم. دیدم با برخی اساتید شما آقایان دکتر احمد بستانی و دکتر قدیر نصری در دانشگاه تربیت مدرس مراودات علمی داشته ام. شنیدم استاد محترم و نویسنده دانشمند آقای دکتر فرهنگ رجایی هم در جمع صمیمی شما سخن می گوید. خدمت همه این اساتید سلام عرض می کنم.

ششم. من حداقل در یک مورد خط امامی هستم و آن این عبارت آقای خمینی است که «من خودم ورزشکار نیستم، اما ورزشکارها را دوست دارم.» (صحیفه امام، ۱۶ اسفند ۱۳۶۰، ج ۱۶، ص ۸۰) من هم با اقتدا به ایشان عرض می کنم من اگرچه از خانواده علوم سیاسی نیستم، در این رشته درس نخوانده ام، هیچوقت هم در دپارتمان علوم سیاسی نبوده ام، اما اساتید و دانشجویان علوم سیاسی را دوست دارم. بسیاری از مطالعاتم در این حوزه بوده است و بخش مهمی از پژوهشهایم مربوط به تاریخ اندیشه سیاسی عصر جمهوری اسلامی و ریشه های آن است، لذا اجمالا حداقل به این دلیل با شما قرابتی دارم.

نسبت سیاست و دیانت

از این مقدمات گذشته بروم سر اصل مطلب یعنی همان نسبت دیانت و سیاست. این عنوان را برگزیدم چون تناسبی با تخصص و مطالعاتم دارد و شاید به کارتان بیاید. اول بزرگراه مدرس که زمان اقامتم در تهران حداقل روزی دوبار از آن عبور می کردم دیوارنوشته بزرگی بود با عکس شهید سید حسن مدرس و این عبارت منسوب به او «سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ما.» حالا یادم نیست اول دیانت بود یا اول سیاست. در این مجال می خواهم به سه نکته اشاره کنم.

به اختصار: این عبارت را البته مدرس هم بکار برده است اما مدتها قبل از او علی اکبر شیخ الاسلام اصفهانی بر زبان رانده است. مراد شیخ الاسلام از این عبارت دقیقا همان است که در جمهوری اسلامی از آن اراده می شود، اما مراد شهید مدرس از آن هرگز چنین نبود، و این عبارت را باید به شیخ الاسلام نسبت داد نه مدرس. به علاوه آیا اصلا این عبارت صحیح است یا نه؟

نکته اول. عینیت دیانت و سیاست به روایت شیخ الاسلام اصفهانی



الف. علی اکبر شیخ الاسلام اصفهانی (۱۳۴۶-۱۳۱۱) از علما و فعالان سیاسی اجتماعی بانفوذ اصفهان در اواخر قاجار و اوایل پهلوی بوده است. وی قبل از انقلاب مشروطه شیخ الاسلام اصفهان و بعد از مشروطه رئیس

بلدیه یا شهردار اصفهان و مهمتر از همه نماینده اصفهان در دوره چهارم مجلس شورای ملی بوده است، از تیر ۱۳۰۰ تا خرداد ۱۳۰۲. در جلسه مورخ ۱۸ خرداد ۱۳۰۱ وی در مجلس نطقی کرده و این عبارت را به کار برده است. در آن زمان رضا خان سردار سپه وزیر جنگ بود و برای دریافت سیزده هزار تومان جهت اعزام ۵۶ دانشجو و ۴ افسر به منظور تحصیلات نظامی به فرانسه لایحه ای به مجلس فرستاده بود.

شیخ الاسلام در دفاع از این درخواست در تاریخ یادشده به نقل از مشروح مذاکرات مجلس می گوید: «سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست است». در ادامه پیشنهاد می دهد چند نفر همراه این محصلان به فرانسه اعزام شوند تا مبدا آنها «به محض رسیدن به اروپا دین و آیین خودشان را ببوسند و بر سرشان بگذارند و بگذارند کنار و خدای نخواستہ مشغول بعضی کارهایی که شاید سایرین بوده اند [کرده اند] بشوند».

شیخ الاسلام همواره در مجلس بر رعایت احکام شرع پافشاری می کرد و به هر قانونی که می پنداشت معارض شرع است اعتراض می کرد. او از مخالفان عدلیه و قانون مجازات عرفی بود. وی این قانون و ساختاری که مشیرالدوله با حمایت نمایندگان مترقی از قبیل سید حسن مدرس برای نظام قضایی تنظیم کرده بودند را خلاف شرع می دانست و آن را اسبابی برای کوتاه کردن دست روحانیون از دادگاهها می دید. او به مشیرالدوله اعتراض می کرد که دارد راه را برای قوانین غیرشرعی هموار می کند. از دیگر پیشنهادات او حضور الزامی نماینده مراجع تقلید در همه دادگاهها اعم از دادگاه بدوی، تجدیدنظر و استیناف یا دیوان عالی بود، که خوشبختانه رای نیاورد.

اگر بخواهیم رویکرد شیخ الاسلام را به زبان امروزی ترجمه کنیم، او اولاً عمیقاً به سیاست مبتنی بر دیانت به دو معنی قائل بود یکی رعایت ظواهر احکام شرع که وی به مثابه قانون حکومتی می دید، دیگری حضور الزامی نماینده حاکم شرع در همه جا، چه در سفر خارج دانشجویان، چه در همه دادگاهها بر اینکه نظارت کند تا عملی خلاف شرع صورت نگیرد و قانون یا حکم قضایی خلاف شرع صادر نشود. ثانیاً او با تشکیلات و قوانین عرفی در دادگستری به شدت مخالف بود و قوه قضائیه و قضاوت را کلاً ملک طلق روحانیت می دانست. لذا حقیقتاً به اینکه سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست است باور داشت و عمل می کرد.

ب. شهید مدرس در همه این مواضع نظر مخالف داشت. مدرس از شاخص ترین مدافعان عرفی کردن دادگستری و از نویسندگان پیش نویس نخستین قوانین عرفی قضایی در ایران است. او به محدودیت احکام شرع در حوزه حقوق قضایی و کیفری باور داشت و هرگز به لزوم حضور نماینده حاکم شرع برای مشروعیت دادگاهها یا غیر آن رای نداد. مدرس حقیقتاً به سیاست عرفی در عین رعایت ارزشهای دینی قائل بود. او شاخص ترین مخالف رضاشاه بود و در نهایت توسط رضاشاه به شهادت رسید. اما شیخ الاسلام عضو مجلس مؤسسانی شد که با انقراض قاجاریه و انتقال قدرت به رضا شاه به تغییر قانون اساسی و رسمیت سلطنت خاندان پهلوی رای داد (۱۵ تا ۲۲ آذر ۱۳۰۴). این پایان مبدع دیانت عین سیاست و سیاست عین دیانت بود.

نکته دوم. مدرس مدافع سیاست و قضاوت عرفی



الف. اما عبارت سید حسن مدرس (۱۳۱۶-۱۲۴۹) در این زمینه، مدرس یک سال بعد از نطق مذکور شیخ الاسلام، دولت مستوفی الممالک را استیضاح کرد و در ضمن نطق پنج ساعته اش در جلسه استیضاح مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۰۲ مجلس شورای اسلامی گفت: «منشأ سیاست ما دیانت ماست. ما نسبت به دُول دنیا دوست هستیم، چه همسایه چه غیر همسایه، چه جنوب چه شمال، چه شرق چه غرب و هر کسی متعرض ما بشود، متعرض آن می شویم. هر چه باشد، هر که باشد، به قدری که ازمان بر می آید و ساخته است. همین مذاکره را با مرحوم صدراعظم شهید عثمانی کردم. گفتم که اگر یک کسی از سر حد ایران بدون اجازه دولت ایران پایش را بگذارد در ایران و ما قدرت داشته باشیم، او را با تیر می زنیم و هیچ نمی بینیم که کلاه پوستی سرش است یا عمامه یا شاپو. بعد که گلوله خورد دست می کنم بینم ختنه شده است یا نه. اگر ختنه شده است، بر او نماز می کنیم و او را دفن می نماییم والا که هیچ. پس هیچ فرق نمی کند. دیانت ما عین سیاست ما هست. سیاست ما عین دیانت ماست. ما با همه دوستیم مادامی که با ما دوست باشند و متعرض ما نباشند همان قسم که به ما دستورالعمل داده شده است رفتار می کنیم.»

این نطق سه ماه بعد از ترور طلعت پاشا صدراعظم عثمانی به دست یک ارمنی ایراد شده است. اشکال اصلی مدرس به مستوفی الممالک ضعف وی و فتور دولت او در سیاست خارجی است. به این عبارت وی در همین نطق

توجه کنید: «عملیاتی که منشأ بشود از برای آنکه دولتی مثل انگلیس یا یک مامور و یک دولت دیگر از ایران تنفیذ نماید، با کمال هوشیاری و بیداری و دوستی باید از این عملیات جلوگیری کرد.» اتفاقاً یکی از مخالفان استیضاح و مدافعان مستوفی الممالک همان شیخ الاسلام اصفهانی بود. مدرس با دقت اساس سیاست خارجی را ترسیم می کند: ما با همه دول دوست هستیم، اصل بر احترام متقابل و مسالمت است. اما اگر کسی چشم طمع به خاک ما دوخت، و قصد نفوذ به ایران داشت یا متعرض خاک ما شد با اقتدار مقابله می کنیم. اشکال مدرس به مستوفی الممالک این است که برش و قاطعیت لازم را در این راه ندارد. او این رویکرد سیاسی را دارای موازین اسلامی می داند که مرادش آیات ۸ و ۹ سوره ممتحنه است.

ب. مراد مدرس از این همانی دیانت و سیاست دفع دخل مقدر است، که وی نیز به مبانی و موازین اسلامی قائل است اما با سیاست ورزی ضعیف و مماشات با دست اندازان به خاک ایران باید به گونه ای قوی برخورد کرد تا هوس تعرض به ایران را از سرشان به در کنند. در حقیقت با توجه به قرینه داخلی و خارجی مراد مدرس دقیقاً برخلاف مراد شیخ الاسلام از عبارت این همانی دیانت و سیاست است. قرینه داخلی یعنی کل نطق استیضاح که هیچ ربطی به اسلامی کردن سیاست ندارد از جمله عبارت صریح وی در جلوگیری از نفوذ اجانب به ایران. قرینه خارجی یعنی کل مواضع مدرس در زمینه عرفی کردن عدلیه و قوانین قضایی و دفاع وی از تقنین عرفی در عین رعایت موازین شرعی. مجلس به درخواست استیضاح مستوفی الممالک از سوی مدرس رای مثبت می دهد و مستوفی الممالک از نخست وزیری کنار می رود.

نتیجه بگیریم عبارت «دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ماست» را باید به علی اکبر شیخ الاسلام اصفهانی نسبت داد به دو دلیل: یکی اینکه وی اولین گوینده آن است، دیگر اینکه وی عامل به مفاد آن بوده است. این عبارت با مفادی که امروز از آن اراده می شود با زمینه نطق استیضاح و کارنامه مدرس از بنیاد ناسازگار است.

رهبران جمهوری اسلامی بدون توجه به نکات فوق این عبارت را به مدرس نسبت داده اند، در حالی که عبارت فوق با مقصودی که ایشان مد نظر داشته اند یعنی اسلامی کردن سیاست (ذیل اسلامی کردن همه امور) و سیاسی کردن اسلام (اسلام سیاسی) به کلی به دور از روش و منش شهید سید حسن مدرس است و به رویکرد شیخ الاسلام اصفهانی نزدیک تر است. مدرس شاگرد و پیرو آخوند خراسانی بوده است، اما در تهران راه رسیدن به میدان آزادی بزرگراه شیخ فضل الله نوری است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

نکته سوم. سیاست و دیانت نه تنها عین هم نیستند بلکه دو روش و دو حوزه متفاوت دارند



الف. حال این عبارت را هر که گفته باشد، حرف درستی است یا نه؟ در حقیقت عبارت مذکور اساس سیاست دینی و حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی به قرائت رسمی است. زمامداران جمهوری اسلامی همواره جدایی نهاد دین از دولت را که به اشتباه جدایی دین و سیاست تعبیر کرده اند توطئه دشمن، تز شیطانی و ضد اسلام و قرآن معرفی کرده اند. نتیجه مطالعات و تحقیقات چهل ساله من چیزی جز این نیست، که بهترین راه حمایت از سلوک مؤمنانه و آزادانه مسلمانان از یک سو و بهترین راه سیاست ورزی سالم و کارآمد از سوی دیگر پذیرش اصل جدایی نهاد دین (یعنی مساجد، حوزه های علمیه و روحانیت و مراجع) از دولت (یعنی قدرت سیاسی به معنای اعم) است.

ب. سیاست امری عرفی است، هیچ اختصاصی به دینداران و مسلمانان و شیعیان ندارد. سیاست ورزی مبتنی بر تجربه بشری و عقل عرفی صورت می گیرد. خطا در آن امری کاملاً طبیعی است. چرا این خطاها باید به پای دین نوشته شود؟ در سیاست ورزی سالم و کارآمد هیچ امتیازی برای هیچ گروهی از جمله فقها یا مسلمانان یا شیعیان وجود ندارد. موازین اسلامی در قالب ضوابط و ارزشهای اخلاق اسلامی توسط مسلمانان باورمند آزادانه و با اختیار رعایت می شود. به کار گرفتن قدرت سیاسی و الزام قانونی و مجازات و زور برای پیشبرد اسلام نتیجه معکوس دارد. از فقه سیاست در نمی آید. سیاست فقهی یا شرعی یا اسلامی یا فقه سیاسی افسانه هایی بیش نیستند.

ج. نتیجه بیش از چهار دهه این همانی دین و سیاست بسیار ملموس است: هم دینداری مان آسیب جدی دیده است، هم سیاست‌مان حال و روز خوشی ندارد. به زبان دقیق تر هر دو به سطح بحران اگر نگوییم ابربحران رسیده است. عامل هر دو بحران (دینی و سیاسی) باور به صحت عبارت «دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ماست» و عمل به مفاد آن بوده است. راه اصلاح هم تصحیح این اساس نادرست است: سیاست ما را تجربه عرفی بشری و مصالح ملی با رعایت موازین حقوق بین الملل تعیین می کند و دیانت ما در گرو رعایت موازین جهان شمول و زمان شمول قرآن، سنت پیامبر، سیره ائمه و عقل است. سیاست و دیانت نه تنها عین هم نیستند بلکه دو روش و دو حوزه متفاوت دارند. باید این تفاوتها را به رسمیت شناخت تا سلامت و توانمندی هر دو را تأمین کرد.

سخنرانی مجازی در جشن فارغ التحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه

خوارزمی تهران

۱۸ آذر ۱۴۰۰



kadivar.com

[/https://kadivar.com/19347](https://kadivar.com/19347)

kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.
نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.